

یادداشت

ضرورت بازاندیشی در فهم ایرانی از اروپا



عابد اکبری

کارشناس مسائل اروپا

یکی از گره‌های مفهومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فقدان یک چارچوب تحلیلی منسجم برای درک ماهیت و کارکرد اروپا به عنوان یک بازیگر بین‌المللی است. این گره برخلاف تصور رایج، صرفاً محصول تحولات سال‌های اخیر یا ناشی از عملکرد دولت خاصی نیست، بلکه ریشه در یک میراث معرفتی دارد که طی دهه‌ها در ذهن نخبگان سیاسی و دیپلماتیک ایرانی رسوب کرده است. در این میراث، اروپا نه بر مبنای تحلیل ساختارمند قدرت، بلکه اغلب در چارچوبی عاطفی و واکنشی فهم شده است؛ گاه با نوعی رمانتیسم سیاسی که اروپا را نیروی متعادل‌کننده‌ای میان ایران و ایالات متحده فرض می‌کرد و گاه با نوعی یأس ژئوپلیتیکی که آن را صرفاً بازیگری تابع ویی اختیار در قبال واشنگتن می‌دید. این نوسان مستمر میان دو قطب اغراق‌آمیز، مانع از شکل‌گیری یک سیاست اروپایی پایدار و مبتنی بر واقع‌گرایی شده است. آنچه ضرورت دارد، گذار از این دوگانه‌انگاری و حرکت به سوی یک فهم رئالیستی و پیچیده‌تر از اروپا است. اروپا، در مقام یک بازیگر جمعی و در عین حال متکثر، دارای لایه‌هایی از خودمختاری راهبردی مشروط (Conditional Strategic Autonomy) است. این بدان معناست که کشورها با عضویت در اروپایی مانند آلمان، فرانسه و بریتانیا می‌توانند در برخی حوزه‌ها مانند تغییرات اقلیمی، تجارت، فناوری یا سیاست‌های منطقه‌ای، مواضعی مستقل از آمریکا اتخاذ کنند، اما در حوزه‌هایی مانند امنیت بین‌الملل، تحریم‌های ثانویه یا تائوان نظامی، همچنان هم‌راستا با واشنگتن می‌مانند. بروز این ویژگی ترکیبی در پرونده‌های مختلف، مستلزم تحلیل دقیق‌تر و چندلایه‌تر است. یکی از روشن‌ترین نمونه‌های داد‌بد گرفتن این پیچیدگی، در محاسبات راهبردی روسیه در قبال جنگ اوکراین قابل مشاهده است. کرملین تصور می‌کرد که با تصفیه نقش بین‌المللی آمریکا در دوران ترامپ و احتمال تکرار آن گفتمان در دور بعدی انتخابات، اروپا فاقد ظرفیت یا اراده برای مقابله با تجاوز نظامی خواهد بود. با این حال، اقدامات اروپا از جمله بسته‌های حمایتی گسترده، تحریم‌های فراینده و کاهش وابستگی به انرژی روسیه، نشان داد که اروپا در مواجهه با تهدیدات بنیادین، توانایی کشتگری مستقل و قاطع را دارد. اگر روسیه دچار خطای شناختی نسبت به توان و اراده اروپا باشد، سیاست خارجی ایران نیز در معرض خطری مشابه قرار دارد. آن چه در مواجهه با اروپا مورد نیاز است، نه امیدواری ساده‌لوحانه به شکاف‌های فرآآنتالیتیکی، و نه انکار ساختارهای مستقل اروپایی، بلکه بازسازی یک رئالیسم تحلیلی است که بتواند اروپا را در موقعیت واقعی‌اش در نظام بین‌الملل تحلیل کند. تحقق این مهم نیازمند تقویت ظرفیت‌های نهاده‌ینه در تولید دانش سیاست خارجی، به‌ویژه حوزه فهم نهادگرانه از بازیگران پیچیده است. درک سیاست خارجی اروپا، نیازمند توجه به فرایندهای تصمیم‌سازی در اتحادیه اروپا، دینامیک‌های میان دولت‌ها، فشارهای افکار عمومی، نقش پارلمان اروپا و تأثیرپذیری از نهادهای اقتصادی و امنیتی فراملی است. بدون شناخت این سازوکارها، هرگونه راهبرد مبتنی بر اروپاگرایی یا اروپاگریزی، در نهایت به سیاستی واکنشی، کوتاه‌مدت و گاه پرهزینه منتهی خواهد شد. بازگشت به رئالیسم در سیاست خارجی، به معنای نفی گفت‌وگو یا تقابل نیست، بلکه به معنای داشتن تصویری دقیق، خنثی و متکی بر تحلیل از ظرفیت‌ها و محدودیت‌های طرف مقابل است. اروپا بازیگری است که در تالقی میان وابستگی ساختاری و استقلال نسبی حرکت می‌کند؛ بازیگری که شناخت درست از آن، می‌تواند در تعیین میزان ریسک‌پذیری یا فرصت‌سازی در کنش‌های دیپلماتیک ما، نقش تعیین‌کننده داشته باشد. در شرایطی که نظام بین‌الملل بیش از هر زمان دیگری در حال تجربه‌کردن بازنگری قدرت است، بی‌تردید نخستین گام برای سیاست خارجی مؤثر، شناخت واقع‌گرانه از طرف‌های مقابل است. اروپا، نه افسانه‌ای سیاسی است و نه حاشیه‌ای بی‌اثر؛ بلکه بازیگری پیچیده است که برای مواجهه مؤثر با آن، باید از رمانتیسم عبور کرد و به رئالیسم بازگشت.

فرارو

حسین افشین:

یکی از مسیرهای ردیابی مسئولان تلفن‌های هوشمند هستند

معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور در مورد صحت ادعای ردیابی فرماندهان نظامی از طریق واتس‌آپ اظهار داشت: تا جایی که بنده اطلاع دارم، دقیقاً بحث از واتس‌آپ موردی نبوده است و بحث خودکوشی‌های هوشمند و GPS و BTS و... مطرح بوده است. اما موردی از روی واتس‌آپ قطعی نداریم. حسین افشین گفت: یکی از ابزارهایی که پیدای می‌کردند، گوشی هوشمند است. به طور مثال، وقتی یک حساب بانکی هک می‌شود تمام اطلاعات از جمله آدرس محل سکونت شناسایی می‌شود. گاهی خود آن افراد می‌نویسند و اعضای خانواده، محافظین و افرادی که با آنان در ارتباط هستند، شناسایی می‌شود، وقتی گوشی هوشمند داشته باشند می‌توانند تأثیرگذار باشند. یعنی موضوع خیلی پیچیده‌تر از آن است که فقط خود فرد از گوشی هوشمند استفاده نکند. به این علت که رفتارهای آدم‌ها پایش می‌شود، افرادی که با او تماس می‌گیرند، خانواده‌اش یا خط‌های ثابتی که بوده است، یکی از روش‌هایی که بوده که از آن استفاده کردند. وی در خصوص بررسی پرونده نفوذ از طریق تلفن همراه گفت: این موضوع اثبات شده است. یکی از مسیرهای ردیابی- نمی‌توان آن را دقیقاً نفوذ نامید- تلفن‌های هوشمند هستند و نیاز به تحقیق و اثبات زیادی نیست، اما به نظر من این که ما موضوع را فقط به یک نرم‌افزار یا Surfört تقلیل دهیم عمل دقیقی نیست. معاون رئیس‌جمهور درباره برنامه دولت در جهت رفع فیلترینگ تصریح کرد: فیلترینگ موضوع پیچیده‌ای است، که فکر می‌کنم بهتر است وزیر ارتباطات درباره آن صحبت کنند چرا که در حوزه ایشان است. نکته این است که بسیاری از VPN‌های آزاد و رایگانی که موجود است، منشأهایی دارند که می‌توان به شکل جاسوسی از آن‌ها استفاده کرد یا اطلاعات را از آن طریق با تلفن همراه برداشت کرد. این یک آفتی است که ما آمده‌ایم جایی را درست کنیم، اما ما نمی‌توانیم ایجاد کردیم که شاید هزینه‌اش برای دولت چندین برابر بود.

دکتر مصطفی اقلیماد گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

برخی مدیران نمی‌خواهند

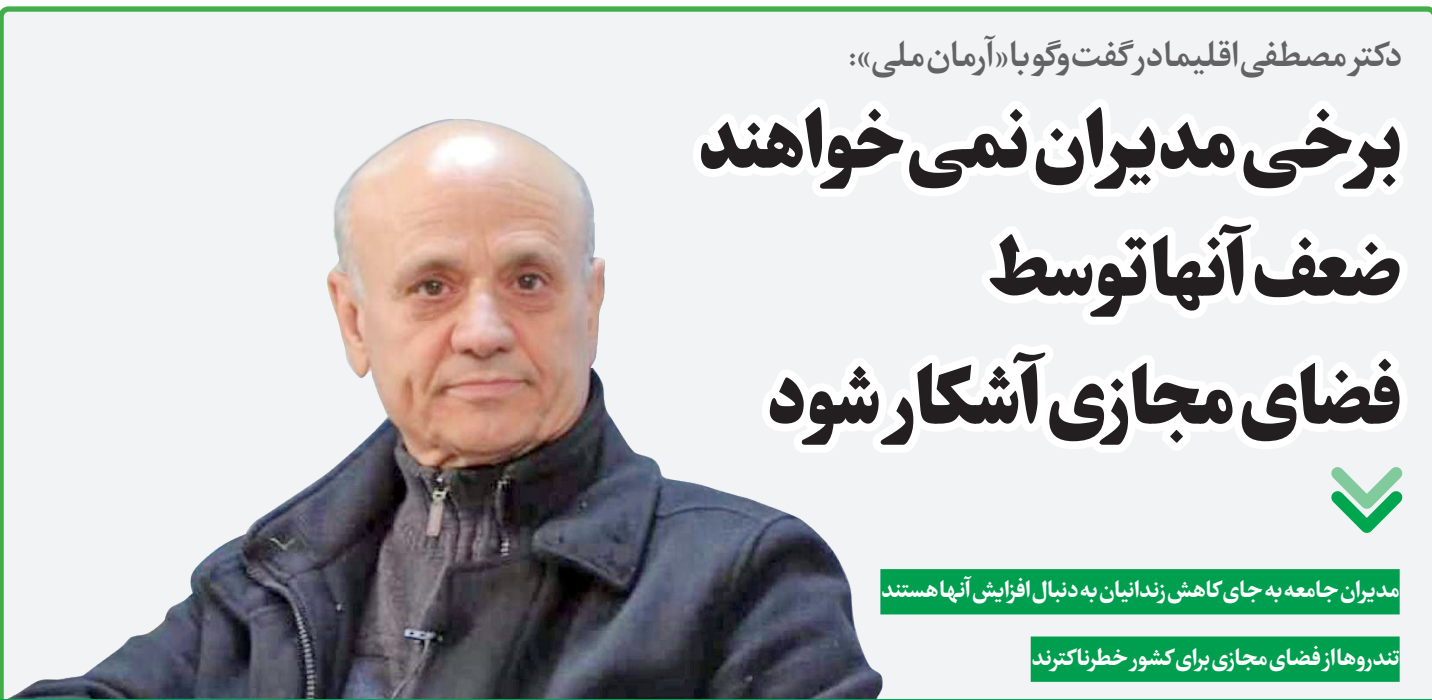
ضعف آنها توسط

فضای مجازی آشکار شود



مدیران جامعه به جای کاهش زندانیان به دنبال افزایش آنها هستند

تندروها از فضای مجازی برای کشور خطرناک‌ترند



آرمان ملی- احسان انصاری: در حالی که انتظار می‌رفت پس از جنگ ۱۲ روزه تصمیماتی برای حفظ همبستگی ملی و افزایش سرمایه اجتماعی گرفته شود، اما برخی دوباره اولویت‌ها را اشتباه گرفته‌اند و به جای رسیدگی به مشکلات مهم کشور مانند بحران آب و تلاش برای کاهش تنش‌های بین‌المللی به دنبال محدود کردن و اعمال مجازات برای فضای مجازی هستند. در همین راستا نمایندگان مجلس در جلسه علنی روز یکشنبه به بررسی تقاضای دولت برای رسیدگی به لایحه مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی با قید دو فوریت پرداختند. نمایندگان مجلس بعد از استماع نظرات موافقان و مخالفان، با ۲۰۵ رأی موافق، ۴۹ رأی مخالف و ۳ رأی ممتنع از مجموع ۲۵۷ نماینده حاضر در مجلس با دو فوریت لایحه مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی موافقت کردند. این لایحه که بنا به الزام مندرج در مصوبه سال ۱۳۹۹ شورای عالی فضای مجازی، توسط قوه قضائیه در مهرماه ۱۴۰۲ تهیه شده و به عنوان لایحه قضائی به دولت ارسال شده، مدیران سکوها‌ی نشر را «مكلف به فراهم کردن سازوکار رصد و پایش

مجلس روز یکشنبه لایحه انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی را تصویب کرد که در این لایحه برای تخلف در فضای مجازی مجازات تا حبس در نظر گرفته شده است. دیدگاه شمار در این زمینه چیست؟

امروز ما در قرن بیست و یکم زندگی می‌کنیم اما براساس شرایط جهانی و مقتضیات زمانه تصمیم‌گیری نمی‌کنیم. آقای پزشکشان در رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری به مردم قول دادند که در صورتی که در انتخابات به پیروزی دست پیدا کنند، فضای مجازی را رفع فیلتر و گردش اطلاعات را در کشور آزاد می‌کنند. این در حالی است که امروز مردم ایران در شرایطی قرار دارند که تنها جایی که می‌توانند دغدغه‌ها و مطالبات خود را بیان کنند فضای مجازی است. برخی مسئولان کشور که عملکرد ضعیفی داشته‌اند و با تخلفاتی انجام داده‌اند دوست ندارند درباره آنها اظهار نظرهای آنها توسط مردم دیده شود و مردم متوجه ضعف آنها نشوند. امروز برخی کشورها مانند چین تلاش می‌کنند به هر شکل که تمایل دارند بر مردم حکومت کنند و به خواست مردم توجه ندارند. باید توجه داشت که شنیدن حرف حق معمولاً برای کسانی که از آن فاصله دارند سخت است و دلیل سخت‌گیری در آن کشورها همین است. با همه اینها ارائه چنین طرحی از سوی رئیس‌جمهوری که پزشک و تحصیل‌کرده است، بعید به نظر می‌رسد و یک اقدام جهان‌سومی به شمار می‌رود. نکته دیگر اینکه در شرایط کنونی وضعیت زندان‌های ما خوب نیست. در حالی که به دلیل افزایش جرم با تراکم زندانی و کمبود زندان مواجه هستیم، چرا دولت و مجلس به جای اینکه به دنبال کاهش زندانیان باشند، اقداماتی انجام می‌دهند که باعث افزایش زندانیان خواهد شد؟ من همواره با خود فکر می‌کنم که آیا برخی مدیران به صورت تعمدی دست به اقداماتی می‌زنند که نظام را دچار مشکل کنند؟ با این رفتارها شکل‌گیری چنین شائبه‌ای دور از ذهن نخواهد بود که انگار نوعی تعدم وجود دارد.

چرا چنین شائبه‌ای ایجاد شده است؟

انجام برخی اقدام مانند همین لایحه، در شرایطی که کشور تازه از یک جنگ سنگین خارج شده چه پیامی به جامعه می‌دهد؟ آیا جز این است که میزان نارضایتی مردم را افزایش خواهد داد؟ اگر این تصمیمات هم گرفته نشود، مردم به دلیل مشکلات متعدد معیشتی به اندازه کافی ناراضی هستند. در چنین شرایطی نمایندگان مجلس به جای اینکه به فکر حل مشکلات کشور و رفع نارضایتی باشند، چنین اقدامی انجام می‌دهند که باعث افزایش نارضایتی‌های می‌شود. اگر طراحان این قبیل کارها، با وجود اطلاع از وضعیت معیشتی و نارضایتی مردم، روی انجام آن پافشاری کنند، آیا شکل‌گیری چنین شائبه‌ای عجیب خواهد بود؟ امروز باید مهم‌ترین دغدغه مدیران کشور و نمایندگان این باشد که چگونه برنامه‌ریزی کنیم که در ه سال آینده نارتازی‌ها و بحران‌ها مربوط به آب و برق از بین برو. من فکر می‌کنم برخی به دنبال این هستند که فضای کشور را شلوغ کنند و گرنه چرا باید آرامش مردم را به هم برزند و نظام را دچار مشکل کنند؟ من فکر می‌کنم امروز کسانی که نارضایتی مردم را بیشتر می‌کنند

گزارش

از وعده شفافیت تا لایحه محدودیت

دولت علیه خودش؟

دولت پزشکشان در آستانه یک سالگی خود به جای تمرکز بر تحقق وعده‌های انتخاباتی از آزادی‌های اجتماعی گرفته تارفع تنگناهای معیشتی، اصلاحات اقتصادی و شفاف‌سازی، با ارائه یک لایحه بحث‌برانگیز درباره برخورد با «انتشار محتوای خلاف واقع در فضای مجازی»، خود را وارد یک مناقشه تازه کرده است؛ مناقشه‌ای که نه تنها پاسخی به دغدغه‌های اصلی مردم نیست، بلکه برخلاف شعارهای اصلی دولت بوده و بوی محدودسازی رسانه‌ها و فضای آنلاین را می‌دهد. لایحه جدید دولت با عنوان رسمی «لایحه مقابله با انتشار محتوای خلاف واقع در فضای مجازی»، به زعم طراحانش با هدف «صیانت از افکار عمومی» و «مقابله با اخبار جعلی» تدوین شده، اما منتقدان بسیاری بر این باورند که در عمل، راه را برای برخورد‌های امنیتی و قضائی با رسانه‌ها، روزنامه‌نگاران و کاربران باز می‌کند. بر اساس مفاد اولیه این لایحه، حتی نقل قول نادرستی که با نیت خیر هم منتشر شود، می‌تواند منجر به تعقیب قضائی شود. این در حالی است که هم‌اکنون نیز قوانین متعددی همچون قانون جرایم رایانه‌ای، قانون مطبوعات و قانون مجازات اسلامی، برای برخورد با «اکاذیب» و «نشر اکاذیب که قصد تشویش اذهان عمومی» وجود دارند و نیازی به قانون‌گذاری جدید در این زمینه نیست.

تناقض با وعده‌ها

این لایحه در روزهای اخیر با انتقادات گسترده همراه شده و تقریباً صدای همه را درآورده است. بسیاری از فعالان سیاسی و رسانه‌ای نسبت به عواقب تصویب این لایحه و خروجی آن بعد از بررسی در مجلس دوازدهم هشدار داده، خواستار پس گرفتن این لایحه شده‌اند یا مثل زیدآبادی با صراحت بیشتری تأکید کرده‌اند که پزشکشان باید دامن خود را از این لکه پاک کند. حزب ندای ایرانیان از جمله نخستین احزاب اصلاح‌طلبی بود که صراحتاً خواستار پس گرفتن این لایحه شد. آنها در بیانیه‌ای اعلام کردند «برخورد‌های محدودکننده با رسانه‌ها و فضای مجازی، در تناقض با آزادی بیان و اصول دموکراسی است و می‌تواند به تضعیف اعتماد عمومی منجر شود». با این صفتی روزنامه‌نگاران نیز طی نامه‌ای سرگشاده خطاب به دولت، این لایحه را «ابزاری برای سرکوب انتقاد» توصیف کرد و خواستار خروج فوری آن از روند قانون‌گذاری شد. همچنین ۱۹ نماینده مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای جداگانه خواهان پس گرفتن این لایحه شدند. این نمایندگان تأکید کردند که فضای مجازی تنها پنجره نفس‌کشیدن بخش بزرگی از جامعه مدنی است و نباید با قانون‌گذاری محدودکننده، آن را بسته. مسعود پزشکشان با شعارهایی همچون «شفافیت در اطلاع‌رسانی»، «احیای اعتماد عمومی» و «تقویت رسانه‌ها» به میدان آمد. در جریان رقابت‌های انتخاباتی، بارها بر نقش رسانه‌ها در احیای کشور تأکید کرده و وعده داد که «فضای باز رسانه‌ای» را حفظ خواهد کرد. اما لایحه‌ای که دولت او اکنون به مجلس فرستاده، درست در جهت عکس این وعده‌هاست. این عقب‌نشینی آشکار از شعارهای انتخاباتی، می‌تواند یک امتیاز محلی جدی برای دولتی باشد که تاکنون دستاورد ملموسی در زمینه بهبود اقتصادی یا اصلاح سیاست‌های کلان نداشته است. اگرچه دولت پزشکشان تلاش کرده با گفتار درمانی در مواردی همچون مبارزه با فساد یا مدیریت بهتر بدنه دولت، امید را زنده نگه دارد، اما چنین لوابی‌ی باعث می‌شود همان اندک اعتماد رسانه‌ها و بدنه روشنفکری به دولت نیز تضعیف شود. فضای رسانه‌ای ایران، پیش از این هم با محدودیت‌های فراوان مواجه بوده است. حالا در شرایطی که روزنامه‌نگاران، فعالان رسانه‌ای و حتی کاربران عادی شبکه‌های اجتماعی، از انتشار ساده‌ترین تحلیل‌ها نیز واهمه دارند، این لایحه می‌تواند حکم مهر تأییدی بر بسته شدن بیشتر فضای گفت‌وگو در کشور باشد.

بحران خودساخته

انتشار این لایحه درست در میانه یکی از سخت‌ترین دوره‌های دولت‌داری ایران، علّت سوال بزرگی ایجاد کرده است: چرا دولت به جای تمرکز بر حل بحران‌های موجود، برای خودش یک بحران جدید ساخته کشور با چالش‌های متعددی روبه‌روست؟ از آتش‌بس شکننده بعد از جنگ با اسرائیل گرفته تا التهابات موجود در منطقه، وضعیت وخیم ناترازی انرژی و قطعی‌های گسترده آب و برق که بر نارضایتی‌های اجتماعی به شدت افزوده است، بحران غیرقابل انکار اقتصادی و کاهش قدرت خرید مردم و... در چنین شرایطی، به نظر می‌رسد ارائه لایحه‌ای با محوریت برخورد با محتوای فضای مجازی، نه تنها اولویتی ندارد بلکه ضربه‌ای به سرمایه اجتماعی دولت است. در شرایطی که اقتصاد در حال فرسایش، اعتماد عمومی در حال ریزش، و بحران‌های محیط‌زیستی و منطقه‌ای در حال گسترش است، دولت نیاز به همراهی رسانه‌ها و فعالان اجتماعی دارد، نه برخورد با آنها. لایحه مقابله با انتشار محتوای خلاف واقع، اگرچه مقابل منطقی دارد، اما در باطن، در نقطه مقابل شفافیت و آزادی بیان قرار می‌گیرد و تنها به شکاف میان دولت و جامعه مدنی آمن می‌زند. برای دولتی که می‌خواهد تغییر ایجاد کند، این لایحه یک اشتباه راهبردی است.

چنین اتفاقی رخ نداد. آیا تصویب چنین لوابی‌ی به معنای بازگشت به دوران قبل از جنگ است؟

برخی در این زمینه تعدم داشته و اجازه نمی‌دهند مدیریت کشور در مسیر صحیح قرار بگیرد. هر گجای دنیا چنین اتفاقی رخ داده بود مردم تا به این اندازه همکاری کرده بودند، اولین کاری که انجام می‌دادند این بود که مشکلات مردم را کمتر می‌کردند و نه اینکه مشکلات جدیدی را به وجود بیاورند. پس از جنگ مشکلات کشور چند برابر می‌شود و مدیران جامعه باید به این مشکلات رسیدگی کنند. کسانی که امروز به دنبال شعله‌ور شدن نارضایتی‌های مردم هستند باید این نکته را نیز در نظر داشته باشند که اگر نارضایتی مردم ابراز شود اول به خود آنها برمی‌گردد. واقعیت این است که مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در طول دهه‌های گذشته روی هم انباشته شده و به همین دلیل حل کردن آن کار یک روز و یک هفته و یک ماه نیست. از سوی دیگر اراده‌ای نیز برای حل ریشه‌ای مشکلات هنوز دیده نمی‌شود و برخی از این مدیران نشان داده‌اند که بیشتر به منافع خاص خود توجه دارند. این دسته از مدیران تاکنون چیزی به جامعه اضافه نکرده‌اند. مشکلات ما نیز به دلیل عملکرد همین مدیران بوده که با اشتباه‌های خود در طول سال‌های گذشته، بر مشکلات کشور افزوده‌اند. اگر از همین امروز دولت جلوی تورم را بگیرد و اقلام مصرفی مردم را رگان نکند تا تورم کنترل شده و زیادت نشود و فشار بیشتری به مردم وارد نشود، می‌توان نسبت به آینده امیدوار بود. این در حالی است که دولت چنین رویکردی را در دستور کار قرار نداده است. با وجود اینکه باید عنوان کرد مردم م‌اشریف هستند اما در شرایطی که مشکلات حل نشود، شرایط اجتماعی پیچیده‌تر از گذشته خواهد شد. مردم مشکلات و شرایط کشور و وضعیت جنگی را درک می‌کنند و اینطور نیست که برخی مدیران گمان می‌کنند هر کاری کنند مردم متوجه نمی‌شوند.

با توجه به شرایط موجود به چه میزان نسبت به حفظ و افزایش سرمایه اجتماعی پس از دوران جنگ خوشبین هستیم؟

ما باید همبستگی ملی را که در جنگ ۱۲ روزه خود را نشان داد، افزایش می‌دادیم و نه اینکه آن را از بین ببریم. مردم ایران در طول تاریخ خود نشان داده‌اند که مردمی منحصربه‌فرد هستند و هنگامی که برای آنها مشکلی ایجاد می‌شوند با هم متحد می‌شوند و به همدیگر کمک می‌کنند. با این وجود مدیران کشور باید به یاد داشته باشند که این وضعیت به معنای آن نیست که مشکلات حل شده، بلکه ما مشکلات را عقب انداخته‌ایم. در واقع هر کسی به سمت چیزی حرکت می‌کند که به سود اوست و منافع او را تأمین می‌کند. مردم ایران تنها در زمان جنگ مشکلات را فراموش می‌کنند اما در زمانی که جنگ به پایان برسد مشکلات و چالش‌های مردم همچنان باقی می‌ماند و مردم در زندگی خود با آن مواجه می‌شوند. مشکلات اصلی مردم نیز برای همه مدیران و مسئولان کشور کاملاً روشن و واضح است. تا زمانی که این مشکلات به صورت اصولی و ریشه‌ای حل نشود مشکلات همچنان پابرجاست و از بین نخواهد رفت.

گذشته شده است. گرامی مقدم افزود: در فضای پس از جنگ ایران و اسرائیل، ما باید پدیده‌ای متفاوت از نفوذ مواجهه شدید؛ نفوذی که واقعی بود و در دل قدرت اتفاق افتاد، نه در میان جریان اصلاح طلب. همان‌گونه که پیش‌تر همواره هشدار داده بودم، کسانی که قدرت دارند، مجرای نفوذ هستند، نه کسانی که فقط دیدگاه متفاوتی ابراز می‌کنند. وی تصریح کرد: در گذشته، برخی ارکان قدرت چند اظهار نظر را مصداق نفوذ می‌دانستند و صلاح‌طلبان را متهم می‌کردند، اما روشن شد که اصلاح‌طلبان در قدرت نبودند و اتفاقاً نفوذ از سوی همان‌هایی رخ داد که در قدرت بودند. این واقعیت بایستی حکومت را هوشیار کرده باشد و حفره‌های اطلاعاتی و امنیتی باید جدی گرفته و بسته شوند.

در حالی که به دلیل افزایش جرم با تراکم

زندانی و کمبود زندان مواجه هستیم، چرا دولت و مجلس به جای اینکه به دنبال کاهش زندانیان باشند، اقداماتی انجام می‌دهند که باعث افزایش زندانیان خواهد شد؟

دانسته یا ندانسته به کشور ضربه می‌زنند و در صورت لزوم باید پیشینه و رفتار آنها توسط نهاد‌های امنیتی و اطلاعاتی بررسی شود.

چرا فضای مجازی در ایران تا این اندازه دغدغه ایجاد کرده که از هر فرصتی برای محدود کردن آن استفاده می‌کنند؟

تندروها عده محدودی در جامعه هستند که پایگاه اجتماعی ندارند و دیدگاه اغلب مردم با آنها متفاوت است. امروز مشکلات کشور به اندازه‌ای است که نمی‌توان آن را یک شبه حل کرد. اما می‌دانیم که برخی از همین افراد مسبب مشکلات و وضعیت امروز هستند. برخی از این افراد اصلاً ایدئولوژی به خطراتی که ممکن است نظام را تهدید کند ندارند و گرنه مردم به صورت مستقیم و غیرمستقیم پای نظام ایستاده‌اند. در واقع فضای مجازی برای کشور خطرناک نیست، بلکه چیزی که خطرناک است همین رفتارهای افراطی و عملکرد تندروها است. امروز برخی مدیران به بهانه بحران آب عنوان می‌کنند که کاری از آنها بر نمی‌آید. این در حالی است که اگر از دست شما کاری بر نمی‌آید، باید کناره‌گیری کنید تا مدیری روی کار بیاید که بتواند برای ۱۰ سال آینده کشور برنامه‌ریزی کند. عجیب است که تا امروز برخی کسانی که مسئولیتی به گردن گرفته‌اند دنبال روزمرگی بوده و برای آینده برنامه‌های ارائه نکرده‌اند و به همین دلیل امکانات و منابع ارزشمند کشور در حال از بین رفتن است.

پس از جنگ ۱۲ روزه انتظار این بود که برخی اصلاحات در روند مدیریتی انجام شود. این در حالی است که

من فکر می‌کنم امروز کسانی که نارضایتی مردم را بیشتر می‌کنند دانسته یا ندانسته به کشور ضربه می‌زنند و در صورت لزوم باید پیشینه و رفتار آنها توسط نهاد‌های امنیتی و اطلاعاتی بررسی شود

اسماعیل گرامی مقدم:

نفوذ واقعی در دل قدرت رخ داد، نه در اصلاح‌طلبان

دو طرف، افزود: «هر چقدر از پایان جنگ فاصله می‌گیریم، احتمال بازگشت به آن نیز دوشوار می‌شود. وقتی جنگی تمام می‌شود، اگر آتش‌بس طی یکی دو روز نقض نشود، در هفته‌ها و ماه‌های بعد هم نقض آن سخت‌تر خواهد شد؛ بنابراین اکنون زمان آن است که دیپلماسی دولت بسیار پویا، سازنده و دارای دستاورد باشد و هم‌زمان باید مشخص شود که طرف مقابل چه می‌خواهد تا به جنگ منتهی نشود. وی در ادامه عنوان کرد: در عین حال، باید آمادگی نظامی کشور نیز ارتقاء یابد. این اسرائیلی‌ها بودند که جنگ را آغاز کردند؛ در حالی که مادر حال مذاکره با آمریکا بودیم. حمله آنان بدون مجوز سازمان‌های بین‌المللی و در تضاد با قوانین بین‌الملل صورت گرفت. این نشان داد که پایه‌های دموکراسی در جهان امروز لرزان‌تر از

سختگوی حزب اعتماد ملی، با تأکید بر لزوم بهره‌گیری از فضای پساجنگ، اظهار داشت: «دیپلماسی دولت باید بسیار پویا، سازنده و دارای دستاورد باشد؛ در عین حال، ضعف‌های اطلاعاتی و امنیتی باید شناسایی و ترمیم شود. اسماعیل گرامی مقدم گفت: ما همیشه با واژه «شرایط حساس کنونی» مواجه بودیم، به طوری که هر بار از ما جرابی به ما جاری دیگر، اتفاقات در ایران به تعویق می‌افتاد، اما امروز ما در شرایط پساجنگ هستیم. در شرایطی قرار داریم که جنگی ۱۲ روزه میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم اشغالگر قدس، با حمایت تمام‌قد ناتو و جهان غرب علیه ما به وقوع پیوست و در نهایت، مردم، توان نظامی و رهبری کشور با هم توانستند از غرور ملی دفاع کنند. وی با تأکید بر دشواری بازگشت به جنگ برای هر